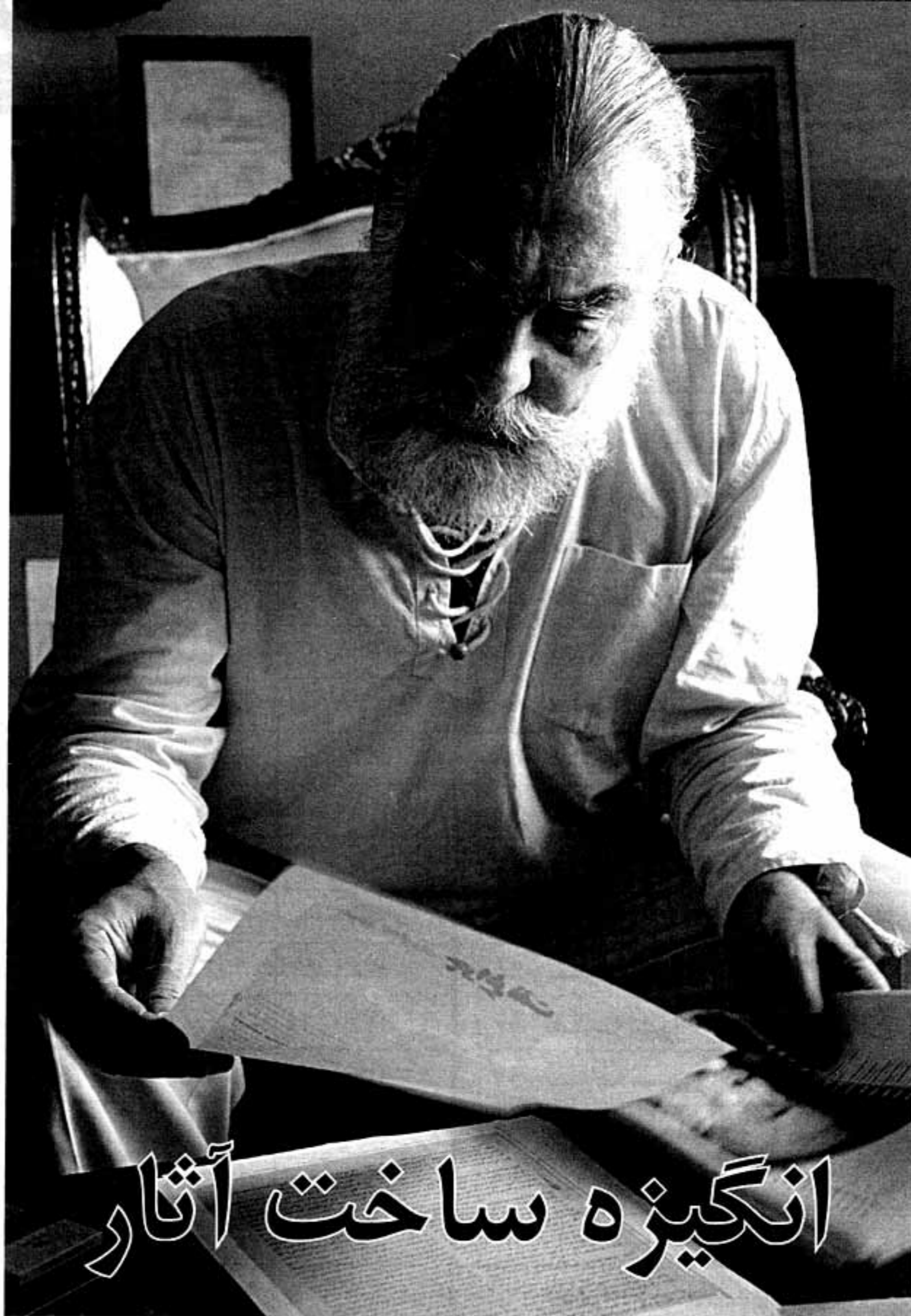


## لیست آثار پرویز مشکاتیان (تفکیک شده بر اساس دستگاه)

سال اجرا	نام اثر	سال اجرا	نام اثر
۱۳۶۲	۲۸- چهار مضراب همایون ۱۷۶	۱۳۵۴	۱- پیش درآمد نغمه ۲۳۷
۱۳۶۳	۲۹- تصنیف بر آستان جانان ۳۷۷	۱۳۵۴	۲- کرشمه زابل ۲۳۸
۱۳۶۳	۳۰- تصنیف لاله بهار ۳۲۰	۱۳۵۴	۳- تصنیف افسرده حال ۳۵۶
۱۳۶۴	۳۱- تصنیف جان جهان ۳۹۴	۱۳۵۵	۴- غم انگیز ۵۲
۱۳۶۴	۳۲- تصنیف شیدایی ۳۳۹	۱۳۵۵	۵- کُرد بیات ۵۵
۱۳۶۴	۳۳- ضربی ماهور(۱) ۲۵۶	۱۳۵۶	۶- پیروزی ۲۴۹
۱۳۶۴	۳۴- ضربی ماهور(۲) ۲۶۰	۱۳۵۶	۷- تصنیف مرا عاشق ۲۹۸
۱۳۶۴	۳۵- تصنیف روز وصل دوستداران ۴۲۲	۱۳۵۶	۸- تصنیف ایرانی ۴۷۶
۱۳۶۴	۳۶- پیش درآمد ماهور ۲۵۳	۱۳۵۶	۹- شورانگیز ۲۸
۱۳۶۴	۳۷- پیش درآمد شور ۳	۱۳۵۶	۱۰- نغمه ۳۲
۱۳۶۴	۳۸- مضراب پرانی حسینی ۳۹	۱۳۵۶	۱۱- مضراب پرانی شور ۳۵
۱۳۶۴	۳۹- طلوع ۱۳۷	۱۳۵۶	۱۲- گلنوش ۶۰
۱۳۶۴	۴۰- سرکش ۱۴۱	۱۳۵۶	۱۳- خسرو و شیرین ۱۰۴
۱۳۶۴	۴۱- چهار مضراب نهفت ۱۴۶	۱۳۵۶	۱۴- پگاه ۱۵۸
۱۳۶۴	۴۲- راز و نیاز ۱۹۹	۱۳۵۶	۱۵- مخالف ۱۶۴
۱۳۶۵	۴۳- تصنیف صبح است ساقیا ۴۵۴	۱۳۵۶	۱۶- دل انگیزان ۶۳
۱۳۶۵	۴۴- چهار مضراب بیات ترک ۸۸	۱۳۵۷	۱۷- رقص چوبی ۷۲
۱۳۶۶	۴۵- تصنیف دود عود ۳۹۹	۱۳۵۸	۱۸- طرب انگیز ۲۷۶
۱۳۶۷	۴۶- تصنیف افق مهر ۴۲۶	۱۳۵۹	۱۹- جامه دران ۲۲۳
۱۳۶۷	۴۷- چکاد ۲۳۰	۱۳۶۰(ضبط تیر ۶۴)	۲۰- بیداد ۱۹۳
۱۳۶۷	۴۸- تصنیف الا یا ایها الساقی ۳۶۰	۱۳۶۱	۲۱- در غم ۱۵۵
۱۳۶۸	۴۹- تصنیف گلعدار ۳۰۳	۱۳۶۱	۲۲- شکسته ۸۴
۱۳۶۸	۵۰- تصنیف طالع اگر مدد دهد ۳۱۰	۱۳۶۱	۲۳- سرانداز ۷۹
۱۳۶۸	۵۱- تصنیف ای مجلسیان ۳۶۷	۱۳۶۱	۲۴- سروناز ۷۶
۱۳۶۸	۵۲- تصنیف نفس باد صبا ۳۷۱	۱۳۶۲	۲۵- تصنیف سرو آزاد
۱۳۶۸	۵۳- تصنیف شکر و شکایت ۳۸۲	۱۳۶۲	۲۶- چوپانی ۴۵
۱۳۶۸	۵۴- گرایلی شستی و هشتری ۹	۱۳۶۲	۲۷- پیش درآمد همایون ۱۷۰

سال اجرا	نام اثر	سال اجرا	نام اثر
۱۳۷۵	۸۴- ضربی راست پنجگاه ۲۸۴	۱۳۶۸	۵۵- چهار مضراب شور ۱۲
۱۳۷۵	۸۵- چند مضراب پنجگاه ۲۸۸	۱۳۶۸	۵۶- سماع آوا ۱۵
۱۳۷۵	۸۶- چند مضراب بیداد ۱۸۷	۱۳۶۸	۵۷- خزان ۱۸
۱۳۷۵	۸۷- تصنیف دیدم صنمی ۵۰۵	۱۳۶۸	۵۸- چهار مضراب افشار ۶۹
۱۳۷۵	۸۸- تصنیف هر شب من و دل ۵۰۸	۱۳۶۸	۵۹- مقدمه ابوعطاء ۹۲
۱۳۷۵	۸۹- تصنیف پروانه ۵۱۲	۱۳۶۸	۶۰- ضربی ابوعطاء ۹۹
۱۳۷۵	۹۰- تصنیف مقام صبر ۴۹۹	۱۳۶۸	۶۱- چند مضراب حجاز ۱۱۲
۱۳۷۶	۹۱- جستجو ۲۰۷	۱۳۶۸	۶۲- ضربی اصول ۶
۱۳۷۶	۹۲- داد و بیداد ۲۱۳	۱۳۶۹	۶۴- بیداد دونوازی سنتور ۵۱۹
۱۳۷۶	۹۳- چهار مضراب بیداد ۱۸۷	۱۳۷۰	۶۵- مقدمه دود عود (۱) ۱۱۹
۱۳۷۶	۹۴- سماع آئین ۲۰۱	۱۳۷۰	۶۶- مقدمه دود عود (۲) ۱۲۸
۱۳۷۶	۹۵- تصنیف ز تو با راز بگویم ۴۳۷	۱۳۷۰	۶۷- چهار مضراب سنتور و ارکستر ۱۵۱
۱۳۷۶	۹۶- تصنیف دلبر ۴۴۳	۱۳۷۰	۶۸- تصنیف کنج صبوری ۳۸۸
۱۳۷۶	۹۷- تصنیف مست و خراب ۴۴۷	۱۳۷۱	۶۹- تصنیف خوش نوای بینوا ۳۱۴
۱۳۷۶	۹۸- تصنیف ناکجا آباد ۴۵۰	۱۳۷۱	۷۰- تصنیف وطن من ۴۰۵
۱۳۷۹	۹۹- چهار مضراب ماهور ۴۶۱	۱۳۷۱	۷۱- تصنیف سرو بلند ۴۱۰
۱۳۷۹	۱۰۰- چهار مضراب دلکش ۲۶۴	۱۳۷۱	۷۲- تصنیف سمن بویان ۴۱۴
۱۳۷۹	۱۰۱- چهار مضراب نهیب ۲۶۸	۱۳۷۱	۷۳- تصنیف دلم ای وای دل ۴۵۹
۱۳۷۹	۱۰۲- انتظار ۲۷۴	۱۳۷۲	۷۴- چهار مضراب بیات راجه ۱۸۷
۱۳۷۹	۱۰۳- تصنیف بیا تا گل برافشانیم ۴۷۱	۱۳۷۲	۷۵- تصنیف همنشین درد ۴۳۰
۱۳۷۹	۱۰۴- تصنیف ماه رو ۴۸۳	۱۳۷۳	۷۶- مضراب پرانی لنگ ۳۷
۱۳۷۹	۱۰۵- تصنیف ای عاشقان ۴۸۸	۱۳۷۳	۷۷- مقدمه گنبد مینا ۴۲
۱۳۷۹	۱۰۶- تصنیف سوختگان ۴۹۵	۱۳۷۴	۷۸- دو مضراب اصفهان ۲۲۶
۱۳۷۹	۱۰۷- رنگ دشتی ۵۷	۱۳۷۴	۷۹- مقدمه جام عشاق ۲۳۰
۱۳۸۰	۱۰۸- تصنیف لحظه دیدار ۲۹۵	۱۳۷۴	۸۰- چهار مضراب عراق و نهیب ۲۷۲
۱۳۸۳	۱۰۹- تصنیف گون ۳۳۴	۱۳۷۴	۸۱- تصنیف شب ۳۲۵
۱۳۸۳	۱۱۰- تصنیف کجایید ۳۴۳	۱۳۷۴	۸۲- تصنیف قاصدک ۴۶۴
		۱۳۷۵	۸۳- کاروانیان ۲۸۱



## انگیزه ساخت آثار

در سرزمین ما کم‌تر پیش آمده است که نویسنده یا هنرمندی در زمان حیات خود، انگیزه واقعی‌اش را از ساخت آثاری که خلق کرده به جامعه اعلام کند. از پرویز مشکاتیان عزیز خواستیم تا برای علاقه‌مندان موسیقی ایرانی که همواره تشنه آگاهی از نیات و لحظات خاص هنرمند از ساخت یک اثر هستند سخن بگویند و او نیز مهربانانه چنین کرد که جز آن نیز از هنرمندی چون او انتظار نمی‌رفت.

باد او را به سوی ساقه خود بر می‌گرداند ولی تلاش باد به جایی نمی‌رسد. در طول آهنگ، گاه ملودی‌ها کاملاً وارونه می‌شوند و گاه به حال تعلیق در می‌آیند که تداعی‌کننده حرکت برگ است به سوی خاک. در تصانیف «گل‌عدار» و «طالع اگر مدد دهد» به اندازه کافی کلام حافظ گویای انگیزه هست. اعم از نوار (مژده بهار) که کنایه از خزان است که بالاخره به بهار می‌انجامد.

لاله بهار

مضرب پرانی حسینی  
مرا عاشق (تصنیف)  
لاله بهار

شور انگیز  
نغمه  
مضرب پرانی شور

سعی می‌کنم انگیزه سرودن قطعاتی را که انگیزه نهفته دارند به اختصار بگویم.

**ضرب اصول:** از قدیمی‌ترین آهنگهای اصیل ایرانی است که به قول استاد برومند در مجلس نجبا نواخته می‌شده است، دارای وقار و سنگینی خاصی است که در این اثر، با تنظیم و سازبندی سلیقه‌ای من به چاووشی درآمده است. **سماع آوا:** آهنگی است که هر زمان که موتیف آن را می‌نواختم «آوا» در هر شرایطی که بود برمی‌خاست می‌رقصید و این آهنگ را به خاطر او ادامه دادم و ناگزیر به خودش تقدیم نمودم.

**خزان:** تصویر برگی است که در خزان زندگی از درخت جدا می‌شود ولی با سماع و رقصان به سوی زمین که مأمّن و مسکن دائمی اوست می‌رود. گاه

**مضراب پرانی:** اصطلاحی است که یاران من بر روی بعضی نواخته‌ها گذاشته‌اند و آن عبارت است از قطعه‌ای که با شور و حال لحظه‌ای و در همان زمان نواختن بعد از قطعه‌ای یا بعد از جواب آوازی به مضراب کشیده می‌شود.

**مرا عاشق:** اولین تصنیفی که برای شهرام ناظری عزیز ساخته شد.

**مرا عاشق چنان باید که هر باری که برخیزد**

قیامت‌های پر آتش ز هر سویی برانگیزد

چو شیری سوی جنگ آید دل او چون نهنگ آید

به جز خود هیچ نگذارد و با خود نیز بستیزد

کلام مولانا به اندازه کافی گویاست. زمانی که اندکی بوی خودپسندی از اوضاع به مشام می‌رسید از مولانا مدد گرفتم

**لاله:** در بهار سال ۱۳۱۲ ملک الشعراء بهار، این بزرگ اندیشمند و شاعر سترگ میهن‌مان در زندان شهربانی از پنجره به پشت بام مجاور نگاه می‌کند و می‌بیند چند لاله سرخ بر روی پشت بام بردمیده است و در نهایت طنازی با باد می‌رقصند، با خود می‌اندیشد که این چیست و از چه روی بردمیده است:

لاله خونین کفن از خاک سر آورده برون

خاک مستوره قلب بشر آورده برون

راست گوئی که زبانهای وطن خواهانست

که جفای فلک از پشت سر آورده برون

یا به تقلید شهیدان ره آزادی

طوطی سبز قبا، سرخ پر آورده برون

دل ماتم زده ما در زاری است که مرگ

از زمین همزه داغ پسر آورده برون

آتشین آه فرو مرده مدفون شده است

که زمین از دل خود شعله‌ور آورده برون

یا که بر لوح وطن، خامه خونبار بهار

نقشی از خون دل رنجبر آورده برون

**گنبد مینا:**

دیده دریا کنم و صبر به صحرا فکنم

واندرین کار دل خویش به دریا فکنم

از دل تنگ گنه کار برآرم آهی

کاتش اندر گنه آدم و حوا فکنم

دقیقا بازنگری خودم در گذرگاه تاریخ. آن سال‌ها برای چندمین بار «صد سال تنهایی» را می‌خواندم

**۲۰ سال با آثار پرویز مشکاتیان**

**چوپانی**

**محبوب من وطن**

چوپانی: همیشه چوپانی را از دور و نزدیک که می‌دیدم حسرت می‌خوردم به خوشبختی‌اش. شاید در خیالم او را یکی از خوشبخت‌ترین انسان‌های کره مقدس زمین می‌دانستم و می‌دانم. هابی‌ام هم از کودکی یک چوپان عروسکی است که همیشه روی پاتختی‌ام بوده و هست.

محبوب من وطن: بر روی سروده‌ای از برزین آذر مهر

ای مانده در نگاه تو بهت نگاه شب

ای خفته در دهان تو، حرف دهان صبح

دیربست در نماز تو افتاده‌ام به خاک

**کی آماده منی**

شعر به اندازه کافی گویاست

کنسرت دشتی

غم انگیز

کردبیات

تصنیف افسرده حال

چنانست دوست می‌دارم

اگر بخواهم خانم پریسا را

در خانواده‌ای بگنجانم، او را در

خانواده‌ای «آریستوکراتیک» می‌

نشانم. شخصیت والای خانم پریسا

(فاطمه واعظی) انگیزه پدید آمد

دشتی بود. هر کجا هست خدایا به

سلامت دارش.

**کنج صبوری**

رنگ دشتی

تصنیف کنج صبوری

چهار مضراب ماهور

تصنیف بیا تا گل برافشانیم

چهار مضراب دلکش

تصنیف ای عاشقان

چهار مضراب نهیب

تصنیف سوختگان

نامی که بر آن رفته است، گویای احوالاتم هست:

خون می‌چکد از دیده در این کنج صبوری

این صبر که من می‌کنم افشردن جان است

می‌دانید که صدای زن متاسفانه به صورت تک خوان نمی‌تواند به اجرا

درآید. هر آینه صدای آسمانی دختر بسیار عزیزم سپیده رئیس السادات

زینت بخش این نوار شده است.

**افشاری مرکب**

گلنوش

تصنیف الا یا ایها الساقی

دل انگیزان

تصنیف نفس باد صبا

چهار مضراب افشاری

تصنیف ای مجلسیان

اولین اثری که ساخته شد فقط برای صدای روان شاد ایرج بسطامی

بود. جامعه نیاز به صدایی نو داشت، با رنگ و بویی تازه. همه خواننده

گان از سبک جاری که به بلوغ نیز رسیده بود (شاید هم به کهولت) تقلید

می‌کردند و در این میان ندایی از کویر به سراغم آمد که با اشتیاق نشستم

و برایش آهنگ نوشتم. ایرج خیلی زود نردبان مقبولیت و محبوبیت را طی

کرد ولی حیف و صد حیف که سخته چون نابکار می‌افتد، قلب ایرج ز

کار می‌افتد.

**۲۰ قطعه برای سنتور**

رقص چوبی

پیروزی

شکسته

خسروشیرین

شورانگیز

طرب انگیز

دل انگیزان - سرو آزاد - سروناز - سرانداز

دلیم برای شادی و نشاط پر می‌کشید - هر بار این بیت مولانا را می

خواندم، ناخودآگاه پلک‌هایم روی صورتم دوییدن می‌گرفت!

زین خلق پر شکایت گریان شدم ملول

آن‌های و هوی و نعره مستانم آرزوست



یک دست جام باده و یک دست زلف یار  
رقصی چون این میانه میدانم آرزوست  
زین هم‌رهان سست عناصر دلم گرفت  
شیر خدا و رستم دستانم آرزوست

### آستان جانان

سروناز

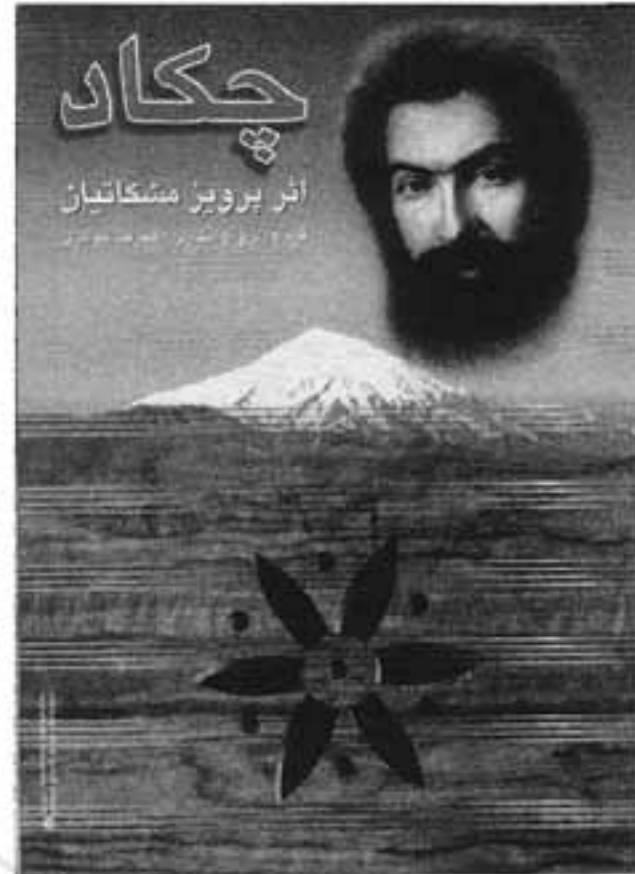
سرانداز

تصنیف آستان جانان

تصنیف شیدایی

اولین کنسرت بعد از انقلاب، در فضای باز باغ سفات ایتالیا. شاهکار  
ایرج حقیقی بود، چون این اجراء را با دو میکروفن ضبط کرد. اجراء دعوتی

بود. تصنیف شیدایی که بعدها  
بیشتر جا افتاد، اولین تصنیفی  
بود که روی ریتم ۷/۸ ساخته  
شده بود. البته دو نوع ۷/۸ لنگ.  
در واقع سرایش شیدایی پاسخ  
به سوال خودم بود در چگونگی  
حافظ که سال‌ها حیرت زده  
ام کرده بود که چه کسی می  
توانسته است باشد این عجب  
الادم که در همه دیر مغان  
چون او شیدایی نباشد و تازه  
خرقه‌اش جایی گرو باده بوده  
باشد و دفترش جایی



### دستان

#### چکاد

چهار مضراب چهارگاه

تصنیف «صبح است ساقیا»

گمان می‌کنم در همین مصاحبه به تفصیل در این مورد گفته‌ام

گلچین هفته

پیش درآمد نغمه

کرشمه و زابل

دخترک ژولیده

به انگیزه اجرای دخترک ژولیده، از ساخته‌های بسیار زیبای استاد کلنل  
علینقی وزیری اجراء شد.

دوست و یار و یاور قدیمی و همیشگی‌ام حسین علیزاده و عزیزم بهمن  
رجبی عطر آگین این اجراء بودند.

#### چگور آهنگ (۲)

سروناز

سرانداز

شورانگیز

پریشی بعد از شکست که با غم باید رقصید

کنسرت بیات ترک آلمان

در اروپا ساخته شده باز چون همیشه مرهمی برای تسلاهی بی‌همدمی

صبح مشتاقان

مقدمه ابوعطا - چهار مضراب ابوعطا - ضربی ابوعطا

چند مضراب حجاز - تصنیف شکر و شکایت

زان یار دلنوازم شکرپیست با شکایت

گر نکته دان عشقی بشنو تو این حکایت

بی‌مزد بودن و منت، هر خدمتی که کردم

یارب مباد کس را مخدوم بی‌عنایت

در زلف چون کمندش ای دل میبچ کانجا

سرها بریده بینی، بی‌جرم و بی‌جنایت

چشمت به غمزه ما را خون خورد و می‌پسندی

یارب روا نباشد، خون ریز را حمایت

از هر طرف که رفتم، جز وحشتم نیفزود

زنهار زین بیابان، وین راه بی‌نهایت

در این شب سیاهم گم گشت راه مقصود

از گوشه‌ای برون آی ای کوكب هدایت

خود شعر گویاست

دود عود

مقدمه دود عود

چهار مضراب سنتور و ارکستر

تصنیف دود عود

دقیقاً در حال تعلیق بودم. در اورتور کاملاً این خلاء پیرامونی که سعی

در فرود از آن دارم پیداست به دنبال جوشی بودم که انگورم سرکه نشود:

جوشی بنه در شور ما تا می‌شود انگور ما

نوا مرکب خوانی

طلوع

چهار مضراب نهفت

تصنیف جان جهان

طلوع (ادوارد گریک) را خیلی دوست داشتم و دارم. با آن طلوع را بیشتر

حس و درک کرده‌ام. آن سالها که یادش به خیر باد، سالی یک بار می‌رفتم

و با یاران در دامنه دماوند در کناره رودخانه پر شکوه لار چادر می‌زدیم. آن

شب، مدام ملک‌الشعراء بهار، پیش‌نظم بود و قله بسیار شکوهمند دماوند:

ای کوه (یا دیو) سپید پای در بند

ای گنبد گیتی ای دماوند

از سیم به زر یکی کله خود

ز آهن به میان یکی کمر بند

تا وارهی از دم ستوران

وین مردم نحس دیو مانند

با شیر سپهر کرده پیمان

با اختر سعد کرده پیوند

تا چشم بشر نبیندت روی

بنهفته به ابر چهر دل‌بند

و...

ای مشت زمین بر آسمان شو

بر وی بنواز ضربتی چند

می‌خواستم تصنیفی روی این زیبا سروده استاد بسازم. تا پگاه بیدار

ماندم و زمان نیشتن بر پیشانی کاغذ نوشتم (چکاد) ولی طلوع غالب شده

بود و «خورشید می» ادامه یافت یا طلوع پدیدار آمد. سروده زیبای بهار را

در هنگام دیگری در همان محل به نت کشیدم که هنوز به اجرا در نیامده

است.

«خورشید می ز شرق ساغر طلوع کرد» تنها سروده‌ای بود از حافظ که

در آن زمان و در آن مکان و نیز آن هنگام به ذهنم آمد که آن هم به نت

کشیده شد.

## دو نوازی

در غم

پیش درآمد همایون

پگاه

چهارمضراب همایون

چهار مضراب سه گاه جامه دران

در غم، در سوگ استاد  
عبدالله، دوامی ساخته شد. پگاه، در  
صبحدم روزی در کوه (کی کی)  
اطراف شاهرود. من هرگز شکارچی



نبودم، ولی با دوستانم می رفتم و از فضای پیرامون، چادر، آتش، آب،  
باد، خاک، زیبایی های سرزمینم اندکی آرام می گرفتم. شاید بتوانم بگویم  
زیباترین خاطراتم از زندگی و حتی در تمام جهان، همان سفرهای درون  
مرزهای ایران برایم بوده است که با یک کیسه خواب، مقداری کاغذ نت و...  
یک چادر صورت پذیرفته است.

همایون ها را برای کنسرتی در چاووش ساختم. هفته ای یک روز همه  
اعضای کانون مکلف بودند تکنوازی انجام دهند. این تمهید برای آن بود  
که بچه ها ملزم به تمرین انفرادی شوند. من پیشنهاد دهنده بودم و ناگزیر  
اولین هم خودم بودم.

## وطن من

در غم

پگاه

چهار مضراب مخالف

تصنیف وطن من

تصنیف سروبلند

تصنیف سمن بویان

از آلمان آمدم. از همان فرودگاه مهرآباد گرد غم بر چهره میهنم و مردم  
آشکار بود. به خانه آمدم. هیچ کس نبود. بچه ها به خراسان رفته بودند. بعد  
از اجرا و انجام چند فستیوال و سخنرانی و دیدار و مصاحبه، اولین چیزی  
که بعد از ورود آرزویش را داری، دیدن عزیزان است. ولی هیچ کس در تهران  
نبود. من از این بالا، بالای کوه، تهران را می دیدم غبارآلود و غم آلود. در  
اروپا اخبار را می شنیدم که بمب روی شهروندانم می ریزند. نا آرام بودم تا  
آنجا که قرارها را نیمه رها کنم و برگردم ولی نمی شد. اروپایی ها به قرار و  
مدار بیش از اندازه اهمیت می دهند. اکنون که در میان اندوه بودم، آرام تر  
می نمودم. بارها گفته ام که در توبره ذهنم اغزال و ابیاتی که گویای حالات  
درونی ام هست فراوان دارم و سالها با آنها زندگی کرده ام. خاموشی اعلام  
شد و آژیر خطر. من روی همین تراس کاغذ و قلم آوردم و وطن من... این  
مرثیه بهار بزرگ، بهار سترگ به میوه نشست:

ای خطه ایران مهین، این وطن من

ای گشته به مهر تو عجین، جان و تن من

دور از تو گل و لاله و سرو سمنم نیست

ای باغ و گل و لاله و سرو و سمن من

تا هست کنار تو پر از لشکر دشمن

هرگز نشود خالی از دل مَحَن من

دردا و دریغا که چنان گشتی بی برگ

کز بافته خویش نداری کفن من

امروز همی گریم با محنت بسیار

دردا و دریغا وطن من وطن من

تا هواپیماهای دشمن سر و صدایی به پا کردند و جواب شنیدند و به قول

دوستی عزیز پا به فرار!!؟ گذاشتند، دو لا خط پایانی آهنگ کشیده شد. شب  
تا صبح نخوابیدم و همان طلوع (که همیشه برایم اتفاقی معجزه آساست) به  
راه زدم و به نیشابور رفتم. همه جا متالم بود. در مشهد روزی با بچه هایم  
و دوستانم به رستورانی در ترقبه رفتیم. روی میز با چاقو کنده شده بود:  
«کی از این محنت سرا به خانه بر می گردیم» به هر حال خانه خانه است  
و کاشانه کاشانه. همین است که شاعر می گوید:

پای در زنجیر پیش دوستان

به که با بیگانگان در بوستان

وطن من را هم جا صدای ایرج عزیزم نوشتیم و او به راستی خوب از  
عهده برآمد. درختی بود که آموخته بودمش پیش طوفان سر خم برنیارود  
و اگر درشتی شنید بتواند پاسخهای درشت تر هم بدهد. حیف که تنهایم  
گذاشت.

## خلوت گزیده

پیش درآمد همایون

چهار مضراب همایون

جامه دران

خلوت گزیده را به تماشا چه حاجت است

چون کوی دوست هست به صحرا چه حاجت است

برای ناصر فرهنگ فر عزیزم بود که همیشه نمادی از خلوت گزیدگی بود  
که کسی یک دم از او نپرسید که او را چه حاجت است.

کاخر دمی بپرس که ما را چه حاجت است

پیش درآمد همایون

چهار مضراب همایون

جامه دران

تصنیف خوشنوی بی نوا

همگی اغزال و ادبیات از سروده های خواجهی کرمانی است. شاعری که  
حافظ از آنجا که چون او شعر می گوید به خود می بالد:

استاد سخن سعدیست نزد همه کس اما

دارد سخن حافظ طرز سخن خواجه

افق مهر برای اجراء در کنگره جهانی خواجهی کرمانی در کرمان ساخته  
شد و هفت شب به اجرا درآمد. یکی از ویژگی های کنگره خواجه برای گروه  
عارف این بود که روز و شب با استاد زریاب خویی و استاد عبدالحسین  
زرین کوب بودیم و فیض پر برکت وجودشان به ما نیرویی خاص داده بود.  
ایرج نیز خیلی خوب از عهده برآمد.

چند بار استاد باستانی پاریزی را از نزدیک زیارت کردیم. مجال دیدارهایی  
در خلوت خودمان کم بود و همه در کار نمایانیدن ارزشهای خواجهی  
بزرگ بودند. نام نوار برگرفته از  
سروده های خواجهوست که به  
نغمه کشیده شده است.

صبح وصل از افق مهر برآید

روزی

وین شب تیره هجران به سر

آید روزی

فستیوال مولانا (ایتالیا)

پیش درآمد همایون

چهار مضراب بیات راجه

(راجع)

چهار مضراب بیداد

جامه دران



یکی از افتخارات من است، استاد ناصر فرهنگ فر در تمام عمر، در نهایت بی نیازی آرزو داشت سرپناهی داشته باشد که باران به رویش نریزد. در طرح ساختمانی صدا و سیما شرکت کرده بود و از حقوق ناچیزش قرارداد را پرداخت کرده بود ولی زمان تحویل صدا و سیما قیمت ها را بالا برده بود و نیز یک جا مبلغ گزافی را می خواست. من در بدترین شرایط روحی قرار داشتم و نیز در شرف جدایی. بچه هایم بلا تکلیف بودند ولی به مدد مادر بزرگواریم و خواهر نازنینم بچه ها را به آنها سپردم و فرهنگ فر را تنها نگذاشتم. در بازگشت، زمانی که فرهنگ فر خبر تحویل گرفتن آپارتمانی کوچک در شهرک غرب را داد تمام خستگی ام در رفت. روان اش شاد. فرهنگ فر مردی بزرگ بود.

### کنسرت گروه عارف ۷۷ نوربخش

سماع آئین  
چند مضراب بیداد  
جستجو  
تصنیف «ناکجا آباد»  
تصنیف هم نشین درد  
تصنیف «ز تو با تو راز گویم»  
تصنیف «دلبر»

برای دوست عزیزم حمیدرضا نوربخش ساخته شد. همین جا بگویم که او را از خوش سلیقه ترین آوازخوانان ایران می دانم. اجراء در تالار رودکی انجامید ولی حس و حالش آن قدر جاذب و جالب شده بود که همان اجرای روی صحنه را به نشر دادیم.

در شب اول شاعر بزرگ خطه شمال شیون فومنی، حضور داشتند (شعر ناکجا آباد را ایشان در نهایت زیبایی سروده بودند) که بعد از سرایش من روی آن آهنگ گذاشتم. متاسفانه یک هفته بعد از اجرا شیون را نیز از دست دادیم.

«این نیز نهم بر سر آن های دگر»

### بیداد

بیداد

راز و نیاز

تصنیف روز وصل دوستداران یاد باد

همه چیز به گویاترین شکل خود، در بیداد گفته شده است. عجیب اینکه من که نه در یک گوشه، نه در یک دستگاه، نه در یک تونالیت هرگز نمی توانم بمانم. آن قدر گوشه بیداد، گویای احوالاتم بوده است که تنها اثری است از من که از ابتدا تا به انتها مدوله نشده است با ریتم سوگواری آغازیدن می گیرد و با همان ریتم به پایان می رسد. البته در متن اتفاقاتی می افتد که هر کسی از ظن خود می تواند برداشتی بنماید.

### جان عشاق

اورتور جان عشاق

تصنیف جان عشاق

استاد جواد معروفی را از بستر بیماری به استودیو بردم. به استودیو بل که آواز استاد شجریان را جوابگو باشند.

آخرین کار استاد جواد معروفی شد. همچنان که در بیداد آخرین اجرای استاد بیکچه خانی و در دود عود آخرین اجرای استاد بهاری.

### قاصدک

کاروانیان - چند مضراب راست پنجگانه

چهار مضراب عراق و نهیب

دو مضراب اصفهان

تصنیف قاصدک (اخوان ثالث)

تصنیف شب (نیمایوشیج)

قاصدک نزدیک تر از من به من است. اجراها در اروپا بود. در سیزده اجراء در سرتاسر اروپا، هیچ شبی نبود که پلکهایم روی گونه ام ندود.

راستی، آیا جایی خبری هست هنوز

مانده خاکستر گرمی جایی

در اجاقی طمع شعله نمی بندم

اندک شرری هست هنوز

هنوز هر بار که قاصدک را می شنوم احساس می کنم اخوان را در آغوش گرفته ام و گونه اش را و دستش را و زبانش را می بویم و می بوسم.

### چاووش ۷

پیروزی

در قفس

رزم مشترک

پیروزی در ریتم ساخته شد. در واقع دوتا معکوس به این ترتیب:

۳+۴+۳

برای خودم تجربه فوق العاده ای بود چون در این ریتم ساختگی تمامی این ریتم ها هست: دوتایی، سه تایی، چهار تایی، ۵ تایی، ۶ تایی، ۷ تایی، ۸ تایی، ۹ تایی، ۱۰ تایی.

البته همه این اتفاقات، از امید و آرزو به پاکی و پاکیزگی آینده نشأت می گیرد. رزم مشترک روی شعری از برزین آذر مهر ساخته شد. آن هم باز در بدترین شرایط برای اتحاد و اتفاق.

همراه شو عزیز، تنها نمان به درد

کین درد مشترک

هرگز، جدا، جدا، درمان نمی شود

دشوار زندگی، هرگز برای ما

بی رزم مشترک، آسان نمی شود

جالب است که هنوز این سروده برایم جالب و جاذب است

### ماهور

پیش درآمد ماهور

ضربی ماهور

ضربی ماهور ۲

با نام سِرّ عشق به دست مردم عزیزمان رسید. تولد استاد شجریان بود. دوم مهر و گمان می کنم ۵۰ سالگی استاد. در منزل ایشان بودیم، محمد موسوی نوازنده توانای نی تشریف داشتند. سه تار را به من دادند و با نی ایشان کوک کردیم. کل برنامه بداهه نوازی و بداهه خوانی است:

«هزار جهد بکردم که سِرّ عشق بیوشم

نبود بر سر آتش میسرم که نجوشم

مرا به هیچ بدادی و...»

### مقام صبر

کاروانیان

تصنیف دیدم صمنی



چند ضربی راست پنجگاه  
تصنیف «هر شب من و دل»  
چند مضراب پنجگاه  
تصنیف «پروانه»  
تصنیف مقام صبر

نام نوار برگرفته از سروده حافظ است که جان مایه اصلی کار می‌باشد.  
گویند سنگ لعل شود در مقام صبر  
آری شود ولیک به خون جگر شود  
راست پنجگاه را همیشه دوست داشته‌ام، اولین اجراء در این دستگاه، اجرایی بود از استاد شجریان و لطفی و فرهنگ فر در جشن هنر شیراز که زمانی که به (نوروزها) کشیده شد، تصنیفی در مایه اصفهان به اجرا درآمد.  
«ای مه من، ای بت چین، ای صنم»

### سماع آوا چهار مضراب شور

در ایتالیا بودیم همراه عزیز با شکوهم بهداد بابایی. دوست هنرمندم احمد طیار زنگ زد که به دیدن ما بیاید. یک ساعت گذشت و وجودش را در نزدیکی‌ها احساس می‌کردم. با آواز بلند خواندم: «احمد طیار نزدیک است» بلافاصله زنگ به صدا درآمد و احمد وارد شد. تا صبح به یاد مهدی اخوان ثالث و «لحظه دیدار نزدیک است» بودم. فردای آن رو علی‌رغم چند دیدار و مصاحبه در خانه ماندم. معمولاً کم حرفی یا کم صحبتی، کم غذایی، کم خوابی و بی حوصلگی نشانه‌هایی است که نزدیکانم بلافاصله مرا تنها می‌گذارند و نشانه‌ای است برای سرریز. همان روز لحظه دیدار (که سالگشت اخوان هم بود) ساخته شد. در فستیوال بعد از اجرای برنامه که با بهداد و محسن کثیرالسفر انجامید زمانی که پخش مستقیم رادیو و تلویزیون قطع شد. (چراغ قرمز خودنمایی کرد) به یاد مهدی عزیز، اخوان بزرگ، آن را زمزمه کردم. به یادم نیست کجا، این را گفته بودم که این خواندن نیست، زمزمه کردن است که بعداً اساتید خواننده آن را چنانکه باید بخوانند.

### سرو آزاد

تصنیف سرود آزاد

شعر زیبای سایه با این مضمون:

امشب همه غم‌های عالم را خبر کن

بنشین و با من گریه سر کن، گریه سر کن

ای جنگل

ای انبوه اندوهان دیرین

من جنگل را خودسرانه و پیرانه سر به میهن تغییر دادم. بی گمانم که اگر

ملودی با کلام به نشستی خوش نمی‌انجامید سایه گوشم را می‌کشید.

### کنسرت نوا - حفظ و اشاعه موسیقی

سرکش

در سال‌هایی از زندگی، غرور برای هنرمند لازم است البته نه کافی. همین جا بگویم منظورم جاه طلبی نیست. ولی اگر ایستادگی در مقابل ناملایمات، بی توجهی به بازار غوغا و جنجال، توجه به نام، تن ندادن به ننگ (چو اسم اعظم باشد چه باک از اهرمن دارم) بی توجهی به مادیات و ظواهر، توجه به آب و خاک مردم و نهایتاً تعالی هم‌زمان نامش غرور است. یک هنرمند برای رسیدن برای رسیدن به (بیان) می‌بایست مغرور بوده باشد. البته این را هم بگویم که با گذشت سالیان استقرار عالمانه در هنرمند اندک اندک جایز را به یک اشراق شاعرانه می‌دهد.

### چاووش ۶

تصنیف ایرانی

روانش شاد جواد آذر. که آنرا بعد از انقلاب ساخت و روی ملودی این

آهنگ کلام گذاشت.

ایرانی، به سر کن خواب مستی

بر هم زن بساط خودپرستی

که چشم جهانی سوی تو باشد چه از پا نشستی

اجرا در دانشگاه ملی بود به یاری گروه شیدا و بخشی از گروه عارف و به

سرپرستی محمدرضا لطفی و با صدای استاد محمدرضا شجریان. من روی

صحنه رفتم چون از پارچه‌ای که پشت گروه چسبانده بودند، خوشم نمی

آمد. استاد شجریان نیز بی‌اطلاع بودند. ■

## لحظه دیدار نزدیک است کنسرت گروه عارف



معنایش این بود که در دستان پر جان راست پنجگاه، تصنیفی مستقل نداریم. جوانه‌های ساخت چند تصنیف در دستان راست پنجگاه در ذهنم همان سالها زده شد. از موارد دیگر قابل‌گوش در مورد مقام صبر دیگر اینکه ملودی تصنیف «دیدم صنمی» آذری است. (همانگونه که در اینسرت نوار آمده است) من باید شعر فارسی رویش می‌گذاشتم. بعد از گشت و گذار وافر، یک بیت در دیوان عارف قزوینی پیدا کردم (بیت اول) که با ملودی همخوان و هم خون بود. مسئله را با فریدون مشیری نازنینم مطرح کردم و فریدون با بزرگواری دو بیت دیگر بر آن افزود. روان‌اش شاد. آقای افتخاری در اجرای راست پنجگاه اوایل رکاب نمی‌داد چون به کارهای ساده عادت کرده بود. ولی نهایتاً پذیرفت که در یک کار جمعی به هیچ‌عنوان شخص مطرح نیست یا لاقلاً در کارهای من خواننده روبروی گروه ننشسته است بلکه در کنار بچه‌ها و دقیقاً در میان آنها می‌بایست نشسته باشد.

### لحظه دیدار

تصنیف لحظه دیدار

خزان